



Islam's Approach to Human-Environment Interaction and Its Role in Addressing the Climate Change Crisis*

Ramin Khorsand¹ 

Abstract

In the interaction between humans and nature, different approaches prevail. Depending on how humans interact with nature, the type of intervention will vary. These approaches are closely related to the worldview of humans. The research questions of this study are: What are the prevailing approaches to human-nature interaction, and what is the impact of each on nature? Which approach can lead to both proper utilization of nature and its sustainability, and take an effective step in addressing the climate change issue? Ultimately, can Islam, as a worldview, provide an appropriate approach to human-nature interaction, and what is its role in addressing the climate change challenge? In this research, the author attempts to provide an explanation of the existing approaches to human-nature interaction using a qualitative method and thematic analysis with a comparative view and specifies the role and impact of each in the type of intervention in nature. The result is that the Islamic approach, termed as nature-builder, due to its fundamental beliefs and comprehensive outlook, can play a significant role in preserving nature, sustainable development, and combating climate change. The climate change crisis can be solved by changing the global community's approach and returning to a spiritual perspective on nature.

Keywords: human, nature, environment, climate change, Human-nature relationship, Islamic worldview.

* Received: 2024/ Feb 22, Accepted: 2024 Jul 21

DOI: 10.22081/jtc.2024.68627.1035

1. Ph.D. candidate in Urbanism, School of Architecture and Urbanism, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran. raminkhorsand70@gmail.com



رویکرد اسلام در ارتباط انسان با محیط زیست و نقش آن در مقابله با بحران تغییر اقلیم*

رامین خورسند^۱ ID

چکیده

در مواجهه میان انسان و طبیعت، رویکردهای مختلفی حاکم است. به فراخور اینکه انسان با چه رویکردی با طبیعت برخورد کند، نوع مداخلات متفاوت خواهد بود. این رویکردها ارتباط بسیار نزدیکی با جهان‌بینی انسان دارند. بر همین اساس سؤالات پژوهش پیش‌رو این است که رویکردهای حاکم بر ارتباط انسان و طبیعت کدام است و تأثیر هر یک در طبیعت چیست؟ کدام رویکرد می‌تواند ضمن تأمین بهره‌برداری صحیح از طبیعت، به پایداری آن بینجامد و گامی مؤثر در مواجهه با مسئله تغییر اقلیم باشد؟ در نهایت آیا اسلام به عنوان یک جهان‌بینی می‌تواند رویکردی مناسب در زمینه ارتباط انسان با طبیعت ارائه دهد؟ و نقش آن در مواجهه با چالش تغییر اقلیم چگونه است؟

در این پژوهش نویسنده می‌کوشد با بهره‌گیری از روشی کیفی و تحلیل مضمون و با نگاهی تطبیقی، تبیینی از رویکردهای موجود در زمینه ارتباط انسان با طبیعت ارائه دهد و نقش و تأثیر هر یک در نوع مداخله در طبیعت را مشخص نماید. نتیجه آنکه رویکرد اسلامی با عنوان طبیعت‌ساز، رویکردی است که به واسطه مبانی اعتقادی و نگرش جامع می‌تواند در جهت حفظ طبیعت، توسعه پایدار و مقابله با تغییر اقلیم، نقشی عمده ایفا نماید و بحران تغییر اقلیم، از طریق تغییر رویکرد جامعه جهانی و بازگشت نگاه معنوی به طبیعت قابل حل است.

واژگان کلیدی: انسان، طبیعت، محیط زیست، تغییر اقلیم، رابطه انسان و طبیعت، جهان‌بینی اسلامی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱

10.22081/jtc.2024.68627.1035

شناسه دیجیتال (DOI):

۱. پژوهشگر دکتری گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

raminkhorsand70@gmail.com

مقدمه (بیان مسأله)

با ظهور انقلاب صنعتی در قرن هجدهم و تغییر رویکردها نسبت به انسان و پیشرفت و طبیعت، آسیب‌های زیست‌محیطی به ویژه در جهان صنعتی غرب، شکلی بسیار ملموس‌تر یافت و در قرن بیستم این روند رو به فزونی نهاد. تغییرات اقلیمی در اواسط دهه ۱۹۸۰، به‌عنوان یک مقوله سیاسی و بحران زیست‌محیطی مطرح شد و افزایش مدارک علمی مبنی بر دخالت انسان و نقش او در این زمینه، موجب افزایش نگرانی‌های عمومی در این زمینه گردید. مداخلات بی‌رویه انسانی در طبیعت به خصوص در ایجاد شهرها و صنایع مرتبط با زندگی شهری و نیز سبک‌زندگی در شهرها، نقشی عمده در مسئله تغییر اقلیم ایفا نمودند.

مقابله با عوامل انسانی تغییر اقلیم و گرم شدن کره زمین در دستور کار جوامع مختلف قرار گرفت. در کنفرانس کیوتو به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کنفرانس‌های مقابله با تغییر اقلیم، کشورهای توسعه‌یافته بر هدف حذف انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهش تولید آن، حفاظت از جنگل‌ها و غیره در قالب «پروتکل کیوتو» توافق کردند. اگرچه ۸۴ کشور پروتکل را امضا کردند، اما بسیاری از آنها از برداشتن حتی یک قدم کوچک در این زمینه امتناع کردند، حتی ایالات متحده از تصویب پروتکل سر باز زد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۱). اینها همه نشان‌دهنده منفعت‌طلبی سیری‌ناپذیر انسان و دولت‌ها و تبعیت از رویکردهایی است که نسبت به محیط زیست و چگونگی ارتباط انسان با آن بی‌تفاوت بوده و یا حتی در تقابل با آن قرار دارند.

بنابراین باید به ریشه‌شناسی این رویکردها پرداخت و ضمن نقد و بررسی رویکردهای مختلف ارتباط انسان و محیط زیست سعی در ارائه و استفاده از رویکردی داشت که ضمن بهره‌برداری صحیح از طبیعت، حفاظت و حراست از سامانه‌های زیستی و طبیعی را ترویج دهد و برای آن اهمیت قائل باشد. لازم است به این نکته هم تصریح شود که انتخاب رویکردها ارتباط بسیار نزدیکی با جهان‌بینی و ایدئولوژی‌ها دارد. اینکه جهان‌بینی‌ها و بینش‌ها، انسان، طبیعت، اهداف و غایت زندگی و تعاملات انسان را چگونه تعریف می‌کنند، در ساماندهی ارتباط انسان با طبیعت نقش بسزایی ایفا می‌کنند و می‌توانند تأثیر مهمی در حفاظت از محیط‌زیست و یا حتی تخریب آن ایفا کنند.

در کنفرانس بین المللی مسکو (۱۹۹۰)، موضوع حل بحران‌های زیست‌محیطی از طریق پیوند علم و دین، مطرح گردید و دو نکته اساسی، یکی ارائه تعریفی مجدد از علم و تکنولوژی و دیگری نیاز به برخورداری از یک پایه مذهبی برای فعالیت‌های انسان در زمین مورد تأکید قرار گرفت (امین‌زاده، ۱۳۸۱: ص ۹۸). لذا در ادامه تلاش خواهد شد ضمن بررسی مسئله تغییر اقلیم و عوامل انسانی بروز آن، نقش رویکردهای مختلف، پیش و پس از انقلاب صنعتی، در تشدید و یا تنزیل آن مورد بررسی قرار گیرد و پس از آن با بررسی دیدگاه اسلامی رویکرد مناسب برخورد با طبیعت و نقشی که می‌تواند در مقابله با تغییر اقلیم ایفا کند تبیین گردد.

سؤالات پژوهش و روش تحقیق

نویسنده در پژوهش حاضر می‌کوشد از روشی کیفی بهره‌گیرد و مفاهیم و پژوهش‌های صورت گرفته درباره انواع رویکردهای مواجهه با طبیعت را بررسی نماید. نویسنده سپس مضمون این پژوهش‌ها را در تطبیق با آموزه‌های اسلامی درباره تعامل با طبیعت تحلیل می‌کند و تأثیرات هر یک را در پایداری طبیعت و چالش تغییر اقلیم ارزیابی می‌نماید و از این رهگذر، به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

رویکردهای حاکم بر ارتباط انسان و طبیعت کدام است و تأثیر هر یک بر طبیعت چیست؟

کدام رویکرد می‌تواند ضمن تأمین بهره‌برداری صحیح از طبیعت، پایداری آن را در پی داشته و گامی در مواجهه با مسئله تغییر اقلیم باشد؟

آیا اسلام به عنوان یک جهان‌بینی می‌تواند رویکردی مناسب در زمینه ارتباط انسان با طبیعت ارائه دهد و نقش آن در مواجهه با چالش تغییر اقلیم چگونه است؟

۱. واژه‌شناسی و مفاهیم پایه

در بدو ورود به هر موضوع و تحقیق، لازم است مهمترین کلیدواژه‌های مسئله تحلیل شود و همچنین مفاهیم پایه اولیه بررسی گردد تا تحلیل‌ها و ارتباطات، بهتر کشف و درک شوند. از این‌رو در ادامه، مفاهیم

پایه و واژه‌های اصلی بحث تغییر اقلیم و ارتباط انسان و طبیعت بررسی می‌شود.

طبیعت: در فرهنگ لغت وبستر، طبیعت این گونه تعریف شده است: جهان فیزیکی و همه عناصر موجود در آن نظیر گیاهان، حیوانات، کوه‌ها، اقیانوس‌ها، ستاره‌ها و غیره و هرآنچه ساخته دست بشر نباشد (Webster's Dictionary, 2012). در فرهنگ لغت آکسفورد، طبیعت به عنوان همه پدیده‌های جهان مادی از جمله گیاهان، حیوانات، مناظر و دیگر ویژگی‌ها و محصولات زمین که در تضاد با انسان و عناصر دست ساخته او باشد (Oxford Dictionary, 2013)، تلقی می‌گردد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷). طبیعت (ماده)، یک واقعیت عینی است که خارج از شعور وجود دارد و به وسیله حواس در معرض درک انسان قرار می‌گیرد (خمینی، ۱۳۸۷، ۲: ۳۶).

محیط زیست: همه محیط‌هایی که در آنها زندگی جریان دارد، محیط زیست نامیده می‌شوند؛ به عنوان مثال یک شهر، اقیانوس و کویر، همگی انواعی از محیط زیست به شمار می‌آیند. به مجموعه‌ای بسیار عظیم و درهم‌پیچیده از عوامل گوناگون که بر اثر یک روند و تکامل تدریجی موجودات زنده و اجزای سازنده سطح زمین به وجود آمده و در فعالیت‌های انسان تأثیر گذاشته و از آن متأثر شده است، محیط زیست اطلاق می‌گردد (گلکار و فرهمند، ۱۳۸۹: ۲۵).

محیط زیست به دو بخش قابل تقسیم است:

- محیط زیست طبیعی: به بخش‌هایی از کره زمین اطلاق می‌شود که انسان در ساخت و پرداخت آن هیچ نقشی نداشته است؛ مانند کوه‌ها، اقیانوس‌ها و جنگل‌ها.
- محیط زیست انسان‌ساخت: محیطی است که توسط انسان‌ها ساخته شده است و دلیل ساخته شدن چنین محیطی نیازهای انسان است که او را وادار می‌کند برای رفع این نیازها تغییراتی در محیط زیست طبیعی ایجاد کند؛ مانند شهرها و روستاها، کارخانه‌ها، فضاهای سبز، مراکز بهداشتی و غیره (آقاجانی، ۱۳۹۰: ۱۵).

تغییر اقلیم: تغییر اقلیم یعنی هر تغییر مشخص در الگوهای موردانتظار برای وضعیت میانگین

آب‌وهوایی که در طولانی مدت در یک منطقه خاص یا برای تمام اقلیم جهانی رخ دهد. تغییر اقلیم نشان‌دهنده تغییرات غیرعادی در اقلیم درون اتمسفر زمین و پیامدهای ناشی از آن در قسمت‌های مختلف کره زمین می‌باشد (مفیدی شمیرانی، ۱۳۹۷). کنوانسیون چارچوب تغییر اقلیمی سازمان ملل (UNFCCC)، تغییر اقلیم را این گونه تعریف می‌کند: تغییرات آب‌وهوایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با فعالیت‌های انسانی نسبت دارند و ساختار اتمسفر زمین را در سراسر جهان تغییر می‌دهند (کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییر اقلیم، ۱۹۹۲: ماده ۱، بند ۲).

لغت «تغییر» در عبارت «تغییر اقلیم» بر این موضوع تأکید دارد که آلودگی اتمسفر زمین رویدادهای آب‌وهوایی عظیمی را به وجود آورده است که یکی از آنها گرمایش جهانی می‌باشد. این مسئله به طور مستقیم با فعالیت‌های انسانی همچون از بین بردن جنگل‌ها و پوشش‌های گیاهی برای مصارف صنعتی، استخراج و استفاده بی‌حد و روزافزون از منابع فسیلی، آلوده نمودن هوا و تولید گازهای گلخانه‌ای، مرتبط است. عمده اقدامات انسانی به وجودآورنده تغییر اقلیم در شهرها رخ می‌دهد که ۷۵ درصد انرژی جهان را مصرف می‌کنند و ۷۵ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند (مفیدی شمیرانی، ۱۳۹۷).

پیشینه تحقیق

در ارتباط با بحث ارتباط انسان و طبیعت، جهان‌بینی‌های مسلط بر این ارتباط، نوع مداخلات و نتایج حاصل از آن پژوهشگران مختلفی به تحقیق پرداخته‌اند و نتایجی در این زمینه کسب کرده‌اند. در ادامه مهمترین این پژوهش‌ها از جهت محتوا و نتیجه کار به اجمال بررسی می‌شود.

جدول (۱): بررسی محتوایی پیشینه تحقیق در زمینه ارتباط انسان و طبیعت

| محتوای اثر | نام اثر | پژوهشگر |
|--|-------------------------------|--------------------|
| در این کتاب مهندس نقره‌کار با نگرش سامانه‌ای ابتدا به بررسی مکاتب مختلف شناخت‌شناسی، انسان‌شناسی و مبانی اخلاقی مؤثر در افعال انسانی و از جمله معماری می‌پردازد و سپس بر همان مبنا ارتباط انسان و طبیعت بر مبنای مکاتب فکری مختلف را بررسی نموده و ماحصل | رابطه انسان با طبیعت و معماری | عبدالحمید نقره‌کار |

| محتوای اثر | نام اثر | پژوهشگر |
|---|--|-------------------------------|
| معمارانه آن را تبیین می کند. | | |
| دکتر نصر با نگاهی جامع به بررسی مقام طبیعت در ادیان گوناگون توحیدی و ابراهیمی مسیحیت و یهود می پردازد و بشر امروزی را به خاطر بی اعتنایی به مقام قدسی طبیعت به شدت نقد می کند. دکتر نصر با رجوع به تاریخ علم و فلسفه به مواضع و باورهای ادیان گوناگون در رابطه با طبیعت می پردازد، ولی تکیه بر اصول اخلاقی را برای رهایی از بحران محیط زیست کافی نمی بیند، بلکه رهنمودهایی جهان شمول مبتنی بر نگرش عرفانی برای محیط زیست ارائه می دهد. او معتقد است که انسان نمی تواند محیط زیست خود را نجات دهد مگر از طریق باز یابی ارتباط میان آن روح الهی و آگاهی دوباره نسبت به کیفیت مقدس آثار و افعال آن صانع متعال. | انسان و طبیعت؛ بحران معنوی انسان متجدد | سید حسین نصر |
| در این کتاب ضمن پرداختن به مباحث و اصول توسعه پایدار شهری تطبیق آن اصول با آموزه های اسلامی در ارتباط با شهر و شهرسازی و موضوع شهر اسلامی و آرمان شهر اسلامی بررسی شده و در خلال آن بحث دین و حقوق محیط زیست و نسبت اسلام با محیط زیست تحلیل شده است. | اصول و مبانی اسلامی توسعه پایدار شهری | میر نجف موسوی و همکاران |
| در این اثر ضمن ارائه تعریف از جهان بینی و طبیعت و تأییراتی که جهان بین های مختلف در زمینه نوع مداخلات انسان در طبیعت دارند، مباحث حقوقی محیط زیست مطرح می شود و الهامی که ایرانیان از طبیعت و جهان بینی خود در ساختن محیط زندگی خود می گرفتند، تشریح می گردد. | جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی | محمد نقی زاده |
| در کتاب مفاتیح الحیات بخش مجزا و مفصلی به موضوع تعامل انسان با خلقت زیست محیطی اختصاص یافته و آموزه های مختلف مستخرج از آیات قران کریم و روایات ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> در این زمینه بیان شده است. | مفاتیح الحیات | آیت الله جوادی آملی |
| نویسنده پس از بحث مختصری درباره انواع رابطه و تناسب انسان با | انسان و طبیعت در | سید حسین |

| محتوای اثر | نام اثر | پژوهشگر |
|---|-------------------------------------|---------------------------------|
| طبیعت در قرآن، به رابطه مادی انسان با طبیعت می‌پردازد و از رابطه بیولوژیک انسان با خاک و آب، و طبیعت به‌عنوان منبع معیشت انسان نام می‌برد. نویسنده در ادامه به رابطه انسان و طبیعت در قلمرو معنی و معرفت می‌پردازد و بینایی و بصیرت انسان را معنی بخش زیبایی طبیعت می‌پندارد و اندیشه انسان را کشف‌کننده رموز و آیات طبیعت و منافع وی را محور جهت‌گیری و کارآیی طبیعت می‌داند. نویسنده در پایان، حقوق متقابل انسان و طبیعت را از نگاه آیات قرآن بررسی می‌کند. | قرآن | هاشمی |
| پژوهشگر در این مطالعه نقش طبیعت در شهر را بررسی می‌کند که این نقش را می‌توان در بررسی ویژگی‌های عناصر طبیعی، مطالعه قوانین حاکم بر طبیعت، تحقیق در رابطه میان انسان و طبیعت، و شناسایی تأثیر طبیعت بر محیط مصنوع و اثرات متقابل آنها بر یکدیگر جستجو نمود. این نوشتار به تأثیر عناصر طبیعی در شهرسازی اسلامی می‌پردازد. | حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمین | محمد نقی‌زاده و بهناز امین‌زاده |

۳. ارتباط انسان و طبیعت

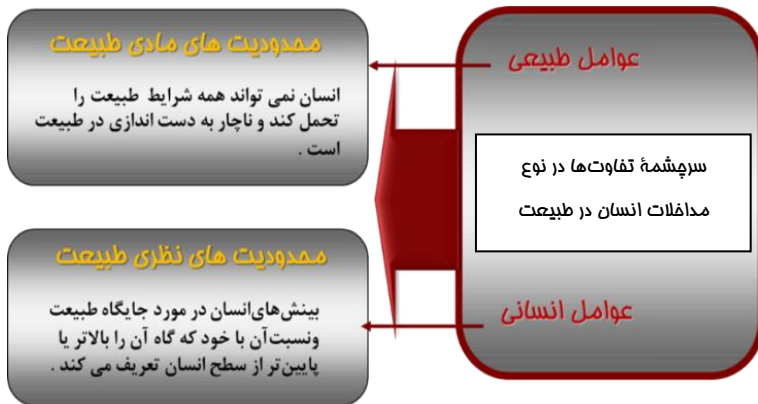
به صورت کلی ارتباط انسان با طبیعت در سه دوره قابل بررسی است که در ادامه هر یک از این دوره‌ها تشریح می‌شود:

- دوره اول: دوره‌ای است که انسان به شدت مقهور طبیعت است و تمام کوشش او مصروف بقای خویش و بهره‌گیری از طبیعت می‌باشد.
- دوره دوم که تا ظهور انقلاب صنعتی ادامه دارد: انسان زندگی مسالمت‌آمیزی با طبیعت دارد. بسیاری جوامع دینی و سنتی احترامی خاص برای طبیعت و عناصر طبیعی قائل هستند. استفاده از طبیعت در حد نیاز انسان و بدون تخریب جدی و انهدام طبیعت انجام می‌پذیرد.
- دوره سوم دوران پس از انقلاب صنعتی: با ظهور انقلاب صنعتی و به خدمت گرفتن ماشین که با ظهور آراء و تفکرات نو درمورد دین و انسان و جهان هستی و ارتباط آنها همراه است،

انسان خویش را مالک مطلق و بی‌چون و چرای جهان می‌پندارد و در جهت دستیابی به بازدهی حداکثر اقتصادی، دست به بهره‌گیری نامحدود از منابع طبیعی می‌زند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۱). هر یک از این دوره‌ها با نوع نگرش و جهان‌بینی که در مورد انسان و طبیعت، در آن دوره وجود دارد و ارتباط ماهوی که بر آن مبنا با هم می‌یابند، هماهنگ است.

باید گفت طبیعت دو محدودیت برای انسان به وجود می‌آورد: نخست محدودیت‌های مادی، به این معنا که انسان نمی‌تواند همه شرایط طبیعت را تحمل کند و ناچار به مداخله در طبیعت و رجوع به محیطی متفاوت است. دوم؛ محدودیت‌های نظری، بینش‌های انسان درباره جایگاه طبیعت و نسبت آن با انسان، گاه آن را بالاتر یا پایین‌تر از سطح انسان تعریف می‌کند.

هر دوی این عوامل سبب و سرچشمه به وجود آمدن تفاوت‌ها در نوع مداخله انسان در طبیعت و ازاین‌رو تأثیرات متفاوت بعدی است (پورمحمدی و محبوب، ۱۳۹۳: ۴)



شکل (۱): سرچشمه تفاوت‌ها در نوع مداخلات انسان در طبیعت

۴. رویکردهای ارتباط انسان و طبیعت

به‌طور کلی در زمینه ارتباط انسان با طبیعت، متناسب با جهان‌بینی و بینش انسان‌ها در هر دوره‌ای، چهار نوع رویکرد می‌توان برشمرد: رویکرد طبیعت‌گرا، رویکرد طبیعت‌گریز، رویکرد طبیعت‌ستیز، رویکرد

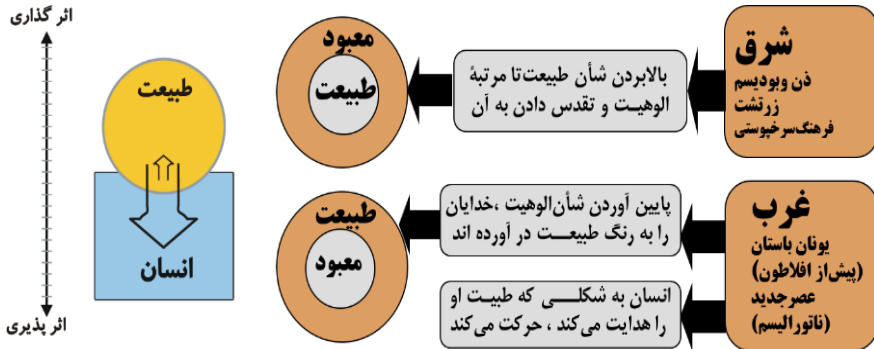
طبیعت‌ساز. در ادامه هریک از این رویکردها و نوع مداخله حاصل از آنها در طبیعت و ماحصل آن تشریح خواهد شد.

۴-۱. رویکرد طبیعت‌گرا

محیط زیست از گذشته‌های دور مورد احترام تمدن‌ها و فرهنگ‌های پیشین بوده و قداست خاصی داشته است. برای نمونه در میان ایرانیان پرستش میترا یا خورشید، در میان هندیان و مصریان، تقدس رودخانه‌های گنگ و نیل و در میان بابلیان پرستش ستارگان رواج داشته است.

در کتاب مقدس هندوها ریگ ودا، تورات و قانون حمورابی درباره حفظ منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست مطالبی وجود دارد. در اعتقاد مردم بدوی هر عنصر طبیعی، خدایی بود که بر زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذاشت (حجازی، ۱۳۹۰: ۱).

براساس آیین زرتشت، ماهیت انسان دارای دو بُعد طبیعی و ماوراء طبیعی است. آغاز انسان در همین طبیعت رخ می‌دهد، انسان یکی از جانداران ارجمند طبیعت است و سرانجام می‌میرد و کالبدش به همین طبیعت بازمی‌گردد. طبیعت، واجد ارزش است و انسان باید برخوردی احترام‌آمیز نسبت به آن داشته باشد. طبق آیین شینتو - دین تائویی، ماهیت انسان اساساً با ماهیت طبیعت، یکی است. انسان جزئی از طبیعت است و طبیعت، مادر او به شمار می‌رود. ولی انسان یکی از پدیده‌های ویژه طبیعت است و از همین رو نسبت به آن مسئول است. جایگاه انسان از طبیعت فروتر است، بنابراین انسان هرگز نباید در پی چیرگی بر طبیعت برآید. طبیعت، هدف نهایی انسان است و غایت زندگی او محو شدن در طبیعت می‌باشد. انسان از طبیعت، برخاسته و به طبیعت بازمی‌گردد و دوباره در طبیعت ظهور می‌کند (نقره‌کار، ۱۳۹۲: ۹۹-۹۷).



شکل (۲): ارتباط انسان و طبیعت در رویکرد طبیعت‌گرا

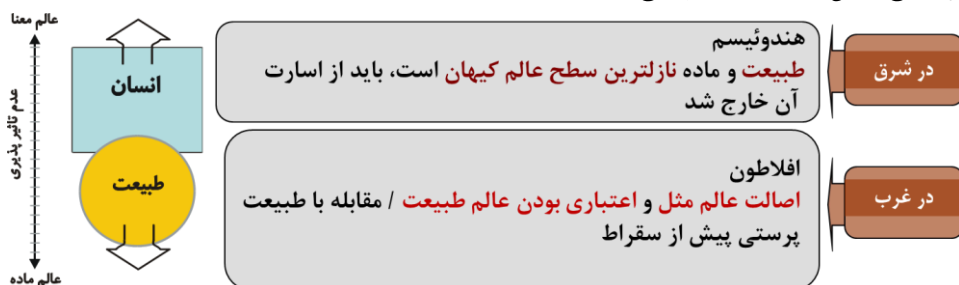
در این دوره، طبیعت بیشترین تأثیر را بر انسان دارد و انسان بیشترین تلاش را در هماهنگ کردن خود با طبیعت دارد. در این رویکرد طبیعت، پایه، هویت انسان است. طبیعت همچون یک سامانه کلان است که انسان نیز جزئی از آن بوده و نیازمند کسب هویت از طریق طبیعت است. راز مانایی و پایداری این جزء، هماهنگی با کل است و انسانیت انسان در گرو فعال شدن و هماهنگ شدن او به‌عنوان یک جزء در کل طبیعت است. این دیدگاه، طبیعت را مادر انسان می‌شمرد و احترام به حقوق طبیعت را لازم می‌داند (پورمحمدی و محبوب، ۱۳۹۳: ۵). برای مبنای، نوع مداخله انسان در طبیعت تجانس و هم‌شکلی است و نتیجه آن عدم تخریب طبیعت، احترام به آن و پایداری اکوسیستم‌ها و سامانه‌های زیستی است؛ از این رو تأثیر چندانی در شکل‌گیری عوامل تغییر اقلیم ندارد و در آن دوره، تغییر اقلیم تابع اقدامات انسانی نیست.

جدول (۲): ارتباط انسان و طبیعت در رویکرد طبیعت‌گرا و تأثیر آن در مداخله انسان در طبیعت

| رویکردهای اصلی | نگرش انسان به طبیعت | ارتباط ماهوی انسان و طبیعت | مکتب نظری | نوع مداخله | نتیجه مداخله |
|----------------|-----------------------|----------------------------|--|------------|--|
| طبیعت‌گرا | نگرش یکی شدن با طبیعت | طبیعت، هدف ذاتی انسان | دین‌های کهن چین و ژاپن - ایران باستان - یونان باستان | تجانس | عدم تخریب طبیعت، احترام به آن و پایداری اکوسیستم‌ها و سامانه‌های زیستی |
| | نگرش طبیعت‌گرای شکلی | طبیعت آرام‌بخش انسان | ناتورالیسم رومانتیسیسم | هم‌شکلی | |

۴-۲. رویکرد طبیعت‌گریز

در دیدگاه افلاطون، آیین هندویی و دیدگاه صوفیان کهن، ماهیت انسان از طبیعت جدا در نظر گرفته می‌شود. انسان ماهیتی فراطبیعی دارد. او نه از طبیعت آغاز می‌نماید و نه در طبیعت پایان می‌یابد، اما در میانه این آغاز و انجام، ناچار به زیستن در طبیعت است. رابطه و بهره‌گیری او از طبیعت نیز از سرناچاری است. راه حرکت به سوی خداوند راهی متفاوت و متضاد با حرکت به سوی طبیعت است و انسان به اختیار خود یکی از این دو راه را انتخاب می‌کند.



شکل (۳): ارتباط انسان و طبیعت در رویکرد طبیعت‌گریز

در این دیدگاه توصیه‌ای بر مهار و سلطه بر طبیعت نمی‌شود و انسان و طبیعت را دارای دو ساختار متفاوت می‌داند. مکاتبی همچون هندوئیسم به این دیدگاه نزدیک هستند و در اینجا طبیعت و ماده، نازلترین سطح عالم کیهان است که باید به مدد ریاضت‌ها از آن فاصله گرفت.

افلاطون با تأکید بر اصالت عالم مُثل و سایه بودن و اعتباری بودن عالم طبیعت این نظریه را گسترش داد. نظر او را باید تلاشی برای مقابله با طبیعت‌پرستی‌ها و خرافه‌گویی‌های یونان پیش از سقراط دانست. مسیحیت در دوره قرون وسطی با ترکیب نظریه افلاطون و اندیشه رهبانیت شکل حادی از طبیعت‌گریزی را به نمایش گذاشت و این ویژگی‌ها بود که دو گرایش طبیعت‌گرا و طبیعت‌ستیز دوره جدید غرب را در مقابل خود پرورش داد (نقره‌کار، ۱۳۹۲: ۹۵).

بنابراین رویکرد، نوع مداخله انسان در طبیعت از نوع تقابل غیرمخرب و یا بی‌ارتباطی بوده است و

نتیجه آن مداخلات حداقلی و عدم تحمیل تغییرات سنگین بر طبیعت می‌باشد. از این رو این رویکرد نیز نقش اندکی در تغییر اقلیم به واسطه مداخلات انسانی داشته است.

جدول (۳): ارتباط انسان و طبیعت در رویکرد طبیعت‌گریز و تأثیر آن در مداخله انسان در طبیعت

| نتیجه مداخله | نوع مداخله | مکتب نظری | ارتباط ماهوی انسان و طبیعت | نگرش انسان به طبیعت | رویکردهای اصلی |
|--|------------|-------------------------------------|----------------------------------|-------------------------|----------------|
| مداخله حداقلی در محیط و یا بی تفاوتی نسبت به آن و عدم تحمیل تغییرات سنگین بر طبیعت | تقابل | افلاطون - صوفیان کهن - آیین هندو | طبیعت زندان انسان (اصالت روح) | نگرش فراطبیعت | طبیعت‌گریز |
| | بی ارتباط | نئو کلاسیک - رنسانس | عدم ارتباط ذاتی | نگرش بی تفاوتی با طبیعت | |

۴-۳. رویکرد طبیعت‌ستیز

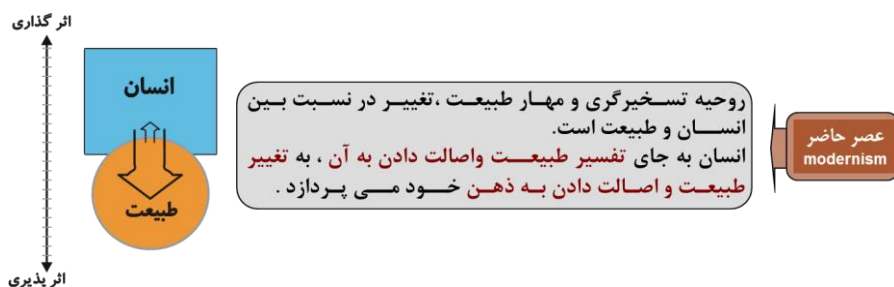
با وقوع انقلاب صنعتی و شروع عصر مدرنیسم نگاه انسان به طبیعت کاملاً تغییر کرد. در این دیدگاه، انسان و طبیعت هیچ رابطه‌ای با عالم متافیزیک و غیب ندارند و انسان در این مدت کوتاه حضور خود در عالم ترجیح می‌دهد تا هرچه بیشتر از طبیعت به عنوان کالای موجود و مصرفی، بهره‌گیرد و لذت ببرد.

ریشه این دیدگاه در دوره‌های کهن و به‌ویژه اندیشه جزءگرایی (اتمیسیم) یونانی در نزد متفکرانی همچون دموکریت (قرن پنجم قبل از میلاد)، و اپیکور (قرن چهارم قبل از میلاد) قرار دارد. در این دیدگاه نمی‌توان برای طبیعت یک هویت کلی در نظر گرفت. طبیعت، سرشتی اتفاقی دارد و علت و هدف خاصی را دنبال نمی‌کند.

پس از سیطره طولانی دیدگاه طبیعت‌گریز در قرون وسطی، مهمترین دیدگاه‌هایی که به شکلی بی‌سابقه ظهور کردند، دیدگاه سکولار در کنار دیدگاه طبیعت‌گرا (ناتورالیسم) بود، طوری که هیچ‌گاه طبیعت به اندازه دوران صنعتی مدرن به تسخیر انسان در نیامده بود. ویژگی اصلی این دوره، تغییر در نسبت میان

انسان و طبیعت است. انسان به جای تفسیر طبیعت و اصالت دادن به آن، به تغییر طبیعت و اصالت دادن به ذهن خود می‌پردازد. اینجاست که کانون اصلی ارتباط انسان با طبیعت از هنر به صنعت تبدیل می‌شود (نقره‌کار، ۱۳۹۲: ۸۹-۸۸).

از این رو نگاه انسان غربی عصر نوگرایی و مدرنیسم به طبیعت به این صورت است که طبیعت، ابزار و منبع خواسته‌های بشر است. ورای طبیعت چیزی نیست و انسان و طبیعت، ماهیتی یکسان دارند. زندگی همین نمود مادی است و انسان تا آن‌جا که می‌تواند باید برای بهره‌گیری بیشتر از طبیعت و چیرگی بر آن تلاش کند.



شکل (۴): ارتباط انسان و طبیعت در رویکرد طبیعت‌ستیز

دقیقاً همین سلطه انسان بر طبیعت است که مسائل و مشکلاتی چون افزایش بیش از حد جمعیت، فقدان جای نفس کشیدن، بسته شدن و تراکم حیات شهری، استفاده بی‌حد و حصر از همه‌گونه منابع طبیعی، تخریب زیبایی طبیعی، آسیب‌رساندن به محیط زندگی به وسیله ماشین و محصولات آن، رشد غیرطبیعی بیماری‌های روانی و هزار و یک مشکل دیگر را که بعضی از آن‌ها کاملاً علاج‌ناپذیر به نظر می‌رسند، موجب شده است (نصر، ۱۳۹۲: ۹).

تغییر جلدی و ناگهانی در اقلیم کره زمین و گرم‌شدن آن نیز دقیقاً هم‌زمان با سلطه این نوع تفکر و رویکرد رخ داده است که با مداخله حداکثری در طبیعت، نابودی جنگل‌ها و مراتع، استخراج کربن مدفون در زمین و آزاد کردن آن در هوا، تخریب اکوسیستم‌ها و غیره، زمینه تغییر اقلیم و گرم شدن نامتعارف زمین

را رقم زده است. از این رو مقابله با این تفکر و رویکرد از مهمترین اقدامات لازم جهت مقابله با مسئله تغییر اقلیم است.

جدول (۴): ارتباط انسان و طبیعت در رویکرد طبیعت‌ستیز و تأثیر آن در مداخله انسان در طبیعت

| رویکردهی اصلی | نگرش انسان به طبیعت | ارتباط ماهوی انسان و طبیعت | مکتب نظری | نوع مداخله | نتیجه مداخله |
|------------------------------------|-----------------------------|------------------------------|----------------------|-----------------|---|
| طبیعت‌ستیز: رودرویی با طبیعت | نگرش چیره جو بر طبیعت | طبیعت کالایی در دست انسان | نوگرایی - مدرنیسم | تضاد و تخریب | مداخله حداکثری در طبیعت به نفع امیال و خواسته‌های سیری‌ناپذیر، تخریب گسترده محیط زیست، نابودی اکوسیستم‌ها و سامانه‌های زیستی، تغییر اقلیم و گرمایش زمین |

۴-۴. رویکرد طبیعت‌ساز: رویکرد اسلامی

در تعالیم اسلامی رابطه انسان و طبیعت تأکید شده است. رابطه انسان و طبیعت، نشانه‌ای از تعادل میان اجزاء عالم وجود و قوانین حاکم بر طبیعت است. از دیدگاه این تعالیم، قرابتی خاص میان انسان و طبیعت وجود دارد؛ زیرا ماده اولیه خلقت انسان از طبیعت گرفته شده است. طبیعت، خاستگاه انسان است، زمین، مادر او معرفی شده و آب مایه حیات اوست. طبیعت، محمل زندگی انسان است، و عناصر طبیعی، سراسر آیات الهی و منبع مهم شناخت هستند (پورمحمدی و محبوب، ۱۳۹۳: ۳).

۴-۴-۱. آفرینش انسان از طبیعت

در نگاه اسلامی، آغاز انسان برخاسته از طبیعت است. انسان از اجزای همین طبیعت ساخته شده است، بنابراین ماهیت او در آغاز با طبیعت، یکی است. چنان که در آیات قرآن کریم بر این موضوع تأکید شده است: «وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ۗ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا»^{۱۸}؛ «و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید، سپس شما را به زمین باز می‌گرداند، و بار دیگر شما را خارج می‌سازد» (نوح/ ۱۷ و ۱۸)؛ «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى»؛ «ما شما را از آن [= زمین] آفریدیم و به آن باز

می‌گردانیم و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می‌آوریم» (طه/۵۵). در تحلیل دین‌مدارانه و در معرفت‌متکی به وحی اسلامی، درست است که شاخه وجود انسان از طبیعت جوانه می‌زند، اما این فقط بخشی از آفرینش و مرحله نخستین آن است و همه آفرینش انسان از خاک و آب نیست. خداوند در قرآن کریم به آفرینش تکاملی و برتر انسان، که او را سزاوار سجده ملائکه می‌کند، اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»؛ «و (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبوی (تیره‌رنگی) گرفته شده، می‌آفرینم، هنگامی که آن را نظام بخشیدم و در او از روح خود [روحی شایسته و بزرگ] دمیدم، همگی برای او سجده کنید!» (حجر/ ۲۸ و ۲۹). انسان در پیمایش راه زندگی از طبیعت فراتر می‌رود و در پایان ماهیتی فراطبیعی می‌یابد. فرجام انسان در طبیعت نیست و این تنها کالبد انسان است که به طبیعت باز می‌گردد، ولی اصل و جوهر او همواره جاودانه در عالمی فراطبیعی برجا می‌ماند. بنابراین اگرچه انسان از طبیعت آغاز می‌شود، اما مساوی با طبیعت نیست، نه از نظر عناصر تشکیل‌دهنده و نه از نظر قدر و منزلت و کارکرد. بلکه انسان، مجموعه‌ای است که هم چیزی بیش از طبیعت مادی دارد و هم می‌تواند برتر و ارجمندتر از طبیعت باشد. اما برتر شمردن انسان هرگز به معنای حقیر شمردن و ناچیز دانستن طبیعت نیست؛ زیرا بخشی از وجود انسان - که اندک نیز نیست - بخش مادی و جسمانی و طبیعی اوست و هر ذلت و حقارت یا پلیدی که به طبیعت نسبت داده شود، پیش از هر کس و هر چیز، دامن‌گیر خود انسان می‌شود (هاشمی، ۱۳۷۷: ۲۵۵). بنابراین وقتی انسانی دارای چنین تفکری باشد و طبیعت را بستر تکاملی خود و خاستگاه اولیه خویش بداند، آنگاه بهره‌گیری از طبیعت در عین هماهنگی با طبیعت و آباد کردن آن را رسالت خویش می‌داند.

۴-۴-۲. آفرینش عناصر محیط زیست

در نگاه اسلامی همان‌خدایی که انسان را آفریده، خالق و مدبر طبیعت نیز هست. از این‌رو همان حکمت، تدبیر، عدالت و ساماندهی بهینه‌ای که خداوند در آفرینش انسان به کار برده است، در آفرینش طبیعت نیز

به کار گرفته است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ...»؛ «پروردگار شما، خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید؛ سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت» (یونس/ ۳). انتساب آفرینش انسان و طبیعت به پروردگار یکتا نتایج و نکته‌هایی را متبادر می‌کند. خالق طبیعت، خداوندی است که هیچ کار بیهوده‌ای انجام نمی‌دهد، چنان که قرآن آشکارا بر این مضمون تأکید می‌کند: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا...»: «آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم...؟» (مؤمنون/ ۱۱۵) (که نوعی استفهام انکاری می‌باشد) یا در جایی دیگر می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ»؛ «ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست به بازی (و بی‌هدف) نیافریدیم.» (انبیاء/ ۱۶). اگر انسان نسبت به خداوند چنین دیدگاهی داشته باشد، آن‌گاه نگاه او به طبیعت، نگاهی خنثی و بی‌هدف نیست. از این منظر، وی هر یک از اجزای طبیعت را دارای نقش و وظیفه‌ای در نظام هستی می‌داند که خدشه به هر یک، در واقع خدشه به تمام نظام آفرینش و از جمله خود انسان به‌عنوان بخشی از این سیستم، خواهد بود؛ از این رو ارتباط خود با این سیستم را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که در جهت برهم زدن این تدبیر و یکپارچگی پیش نرود.

۴-۳. مسخر نمودن طبیعت برای انسان

خداوند در قرآن کریم معیشت و تداوم حیات انسان بر کره زمین را منوط به طبیعت می‌داند: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ»؛ «ما تسلط بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای‌تان فراهم ساختیم...» (اعراف/ ۱۰) و طبیعت را منبع رفع نیازهای او برمی‌شمرد و بر این نکته تأکید می‌کند که یکی از اهداف مهم و اصلی آفرینش طبیعت و عناصر محیط زیست، رفع نیازهای انسان بوده است. «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...»؛ «او کسی است که همه آنچه را در زمین وجود دارد، برای شما آفرید...» (بقره/ ۲۹). «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ...»؛ «خداوند، کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان، آبی فرو فرستاد و با آن،

میوه‌ها (و محصولات گوناگون) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد» (ابراهیم / ۳۲). جای دیگر می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ. يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ «او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد که هم از آن می‌نوشید و هم گیاهانی که حیوانات خود را در آن به چرا می‌برید، از آن حاصل می‌شود. خداوند با آن (آب)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور و از همه میوه‌ها می‌رویاند؛ به یقین در این، نشانه‌ای (روشن از عظمت خدا) برای اندیشمندان است» (نحل / ۱۰ و ۱۱).

در دسته‌ای از آیات قرآن از واژه تسخیر در مورد عناصر محیط زیست برای انسان‌ها به کار رفته است و تأکید شده است که عناصر مختلف محیط زیست برای معیشت و تذکر او در تسخیر انسان قرار گرفته است. «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً...»؛ «آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به‌طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟!...» (لقمان / ۲۰). «وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ. وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلَةً حَلِيبَةً تَلْبُسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»؛ «او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت؛ و ستارگان نیز به فرمان او مسخر (و در خدمت شما) هستند؛ در این نیز، نشانه‌هایی است (از عظمت خدا)، برای گروهی که می‌اندیشند. و (همچنین)، مخلوقاتی را که در زمین به رنگ‌های گوناگون آفریده (نیز مسخر و در خدمت شما) قرار داد؛ در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکر می‌شوند. او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و زیوری که آن را بر خود می‌پوشانید (همچون مروارید) از آن استخراج کنید؛ و کشتیها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت بپردازید و) از فضل خدا بهره‌گیرید؛ شاید شکر او را به جای آورید» (نحل / ۱۲-۱۴).

شهید مرتضی مطهری در مورد این آیات می‌فرماید:

در قرآن از مستخر کردن ماه، خورشید، شب، روز، دریاها، نهرها، کوهها، باد و هرآنچه در آسمان و زمین است یاد شده است، بدیهی است که در همه این موارد، مقصود این است که این امور طوری آفریده شده‌اند که رام انسان و مورد بهره‌برداری و استفاده انسان هستند (مطهری، ۱۳۷۳، ۲: ۵۷).

براساس آیات فوق، رابطه میان انسان و طبیعت، رابطه تسخیری است، اما تسخیری نه به معنی امکان دخل و تصرف بدون مسئولیت و بدون قید و شرط، بلکه تسخیر امانت‌دارانه. امکان تسخیر به واسطه این است که انسان جانشین خداوند در زمین می‌باشد: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» («به یاد آور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من بر روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد...» (بقره/۳۰) و برای اعمال این جانشینی، نه تنها از اختیار و آزادی برخوردار است، بلکه جهان، مُسخر وی است تا بتواند در آن به دخل و تصرف بپردازد. با وجود این، به همان اندازه که انسان، اختیار و آزادی دارد، مسئول رفتار خویش با طبیعت و دیگر مخلوقات نیز می‌باشد؛ زیرا انسان باید آئینه تمام‌نمای اسماء و اوصاف الهی و حافظ مخلوقات او باشد تا شایسته جانشینی خداوند بر زمین گردد. در غیر این صورت، انسان از قدرتی سوء استفاده کرده است که صرفاً به دلیل جانشینی خداوند بر زمین به وی اعطا شده است و نتیجه آن نیز دوری از صفات خداوندی و برهم زدن نظم طبیعت خواهد بود (فلاحی، ۱۳۹۴: ۱۰۴). پس انسان در عین بهره‌برداری از طبیعت باید نگاهی امانت‌دارانه داشته باشد و بهره‌برداری صحیح و متناسب با نیاز واقعی خود را مد نظر قرار دهد.

۴-۴-۴. حفاظت از محیط زیست و بهداشت آن

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که هرگاه حقی برای انسان نسبت به چیزی پدید آید، در مقابل آن تکلیفی نیز خودنمایی خواهد کرد. به بیان دیگر حق و تکلیف، دو روی یک سکه هستند. اگر استفاده و بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده‌اند، این حق، تکلیفی نیز ایجاد می‌کند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۵).

در مقابل حق استفاده‌ای که خداوند برای انسان در محیط زیست و طبیعت قائل شده است، وظیفه‌ای

نیز برعهده او گذاشته است که حفظ، حمایت و بهره‌برداری صحیح از محیط زیست است. آیات و روایات اسلامی به شدت از ضایع نمودن محیط‌زیست و اسراف در بهره‌برداری از آن و تخریب آن نهی نموده‌اند و بهره‌گیری انسان از طبیعت را به حفاظت و عمران و آبادانی آن منوط می‌دانند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «تُحَفِّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ»؛ «حرمت زمین را بدارید و از آن حفاظت کنید که به منزلهٔ مادر شماست» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۷۷: ۳۸۰). حضرت علی ع می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالتَّبَهَاتِمِ»؛ «از خدا بترسید در حق بندگان و بلادش؛ زیرا شما مسئول هستید حتی در برابر زمین‌ها و ستوران» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸، ۱۶۶: ۳۹۶).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «...هُوَ أَنشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...»؛ «اوست که شما را از زمین آفرید؛ و آباد کردن آن را به شما سپرد!» (هود/ ۶۱) همان‌گونه که از این آیه و روایات قبل برمی‌آید، طبیعت به منزلهٔ خاستگاه اولیهٔ انسان و مادر او یاد شده و حفاظت از آن و رعایت حق آن و عمران و آبادانی آن مسئولیت انسان برشمرده شده است نه تخریب و بی‌حرمتی به آن.

آیت‌الله جوادی آملی دربارهٔ حفاظت از محیط زیست و بهداشت آن می‌فرماید:

شایسته است مسلمانان محیط زیست را امانت الهی بدانند و به حفظ و آلوده نکردن آن اهمیت بدهند و آن را برای خود وظیفه‌ای لازم بدانند و حتی در شرایط جنگی نباید از آن دریغ ورزند. امام صادق ع می‌فرماید: «رسول خدا ﷺ هنگامی که رزمندگان را به سوی جنگ می‌فرستاد به ایشان سفارش می‌فرمود: جز در هنگام ناچاری درختی را قطع نکنید.» نهی پیامبر ع از قطع درخت، می‌تواند به جهت تأثیر درخت در سلامت محیط زیست باشد، از همین رو امام صادق ع می‌فرماید: «سکونت در سرزمینی دلپذیر است که هوایی سالم، آبی فراوان و زمینی حاصل‌خیز و آماده کشت داشته باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۶۹۱).

قاعدهٔ لاضرر و لا ضرار در اسلام به صورت عام، ناظر بر حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب و تضعیف آن و محروم کردن دیگر مردم و نسل‌های بعد از مواهب طبیعی و محیط زیست سالم است.

۴-۴-۵. حق همگانی محیط زیست

همان‌طور که پیش از این بیان شد، انسان در برابر حق بهره‌برداری از طبیعت، وظایف و تکالیفی نیز بر عهده دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها رعایت حق همگانی در بهره‌وری از طبیعت است. آیاتی از قرآن کریم بر این نکته تأکید دارند که خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها وجود دارد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴) «وَالْأَرْضَ وَصَعَهَا لِلْأَنَامِ»؛ «و زمین را برای مردم [همگان] آفرید» (الرحمن/ ۱۰). قرآن کریم به شدت از عملی که سبب نابودی نسل و حرث می‌گردد، نهی می‌نماید و آن را نشانی از نفاق و فساد در زمین می‌داند. «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»؛ «هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان و انسان‌ها را نابود می‌سازند؛ (با این که می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد» (بقره/ ۲۰۵). «حَرْث» به معنی زراعت، و «نَسْل» به معنی اولاد است، و بر اولاد انسان و غیرانسان اطلاق می‌شود، بنابراین هلاک کردن حرث و نسل به معنی از میان بردن هر گونه موجود زنده است، اعم از موجودات زنده نباتی، یا حیوانی و انسانی (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷، ۲: ۹۴). براساس این آیه شریفه اقدامی که موجب نابودی موجودات زنده اعم از نباتی، حیوانی یا انسانی باشد، نشانه‌ای از فساد و خوی منافقان است. بنابراین آن اعمالی که سبب انقراض موجودات زنده می‌گردد و در آینده، زندگی بشر در طبیعت را دچار تهدید می‌کند، ناپسند و مذموم تلقی می‌شود. پس بر مبنای این تأکیدات مهم، بهره‌برداری از زمین و محیط زیست آن، در انحصار عده‌ای خاص قرار ندارد و باید به‌گونه‌ای از آن استفاده شود که برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود.

۴-۴-۶. بهبود اکوسیستم‌ها و حفاظت از گونه‌ها

در روایات مختلفی بر حفاظت از جانداران و محیط‌های زیست آنها تأکید شده و از آلوده کردن آنها نهی شده است. تعالیم اسلامی این امر را تحت عنوان «حق حیات و مهلت دادن» تبیین می‌کنند (موسوی و

همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸). آموزه‌هایی که در زمینه رعایت اعتدال در شکار، بهره‌برداری از منابع، حفاظت از درختان و جنگل‌ها، حیات وحش، نگهداری از آب‌ها و غیره وجود دارند، همه در راستای بهبود و حراست از اکوسیستم‌ها هستند. پیامبر ﷺ بریدن درختان مدینه را از هر سوی به اندازه بریدی در برید دیگر ممنوع ساخت (عاملی، ۱۳۹۱: ۸۵). پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره کاشت گیاهان، نگهداری درختان، آبیاری آنها و نهی از قطع بی‌دلیل‌شان تأکید فراوانی دارند. اهمیت درختکاری چنان است که رسول خدا ﷺ درباره آن فرمود: «اگر نهالی در دست یکی از شماست و در آستانه برپایی قیامت به اندازه کاشتن آن فرصت دارد، آن را بکارد» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۱۳: ۴۶۰). پیامبر (ص در ارتباط با نگهداری و آبیاری درختان)، می‌فرمایند: «هرکس درخت طلح و سدر [درخت نیازمند به آب] را سیراب کند، گویا انسان مؤمن تشنه را سیراب کرده است» (العیاشی، ۱۳۸۰ق، ۲: ۸۶)، درباره قطع درخت نیز از آن بزرگوار چنین آمده است: «هرکس بی‌جهت درخت سدری را قطع کند، خدا سرش را در آتش فرو می‌برد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۶۳: ۱۱۳). «از امام رضا علیه السلام نقل است که قطع درخت (در صورت نیاز) با تبدیل و جایگزینی، مانعی ندارد و فرمودند: امام کاظم علیه السلام درخت سدری را قطع کرد و درخت انگوری به جای آن کاشت» (کلینی، ۱۳۶۵، ۵: ۲۶۴-۲۶۳).

در آموزه‌های اسلامی از آب به عنوان مایه حیات نام برده شده؛ قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «...وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ...»؛ «...و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم...» (انبیاء/ ۳۰). زندگی عموم جانداران اعم از گیاهان، حیوانات و انسان‌ها به آب وابسته است، برهم خوردن تعادل آبی بر روی کره زمین و آلوده شدن آن، چرخه‌های زیستی موجودات و اکوسیستم را با خطر جدی مواجه می‌کند. در ارتباط با حفظ منابع آبی و عدم آلوده کردن آنها تأکیدات فراوانی در آموزه‌های ائمه معصومین علیهم السلام آمده است. ذخیره‌سازی آب و حفظ آن دو موضوع مهم در نگاه پیامبر خدا ﷺ بود و همواره به ایجاد حریم در نزدیکی منابع آب توصیه می‌کرد و برای استفاده نابه‌جا از آب و آلوده کردن آن نگران بود و آنگاه که آب فراوان بود، از اسراف آن حتی در وضو و غسل منع می‌کرد (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۷۰۱). امیرمؤمنان درباره

ضایع نمودن منابع آبی و عدم بهره‌وری صحیح از آن می‌فرمایند: «ملتی که آب و زمین کشاورزی دارد ولی [بر اثر کم‌کاری یا بدکاری] محتاج گردد، از رحمت حق دور باد» (حمیری قمی، بی‌تا: ۵۵) حضرت رسول ﷺ می‌فرمایند: «از آلودن آبی که در جایی جمع شده باشد (مانند آب چاه یا آب پشت سد و...) بهره‌زید تا لعن نشوید» (سیوطی، ۱۴۰۱ق، ۱: ۲۷)؛ امیر مؤمنان ضمن تأکید بر این مسئله که آب، محل زیست بسیاری از موجودات است، از آلوده کردن آن نهی می‌کند و می‌فرماید: «آب ساکنانی دارد، با ادرار و غائط آنها را نیازارید» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ۲: ۱۸۷).

اسلام نسبت به حیوانات، رعایت حقوق آنها و بهره‌گیری مناسب از آنها تأکیدات ویژه‌ای دارد و به انسان اجازه نمی‌دهد به بهانه شرافتی که بر دیگر موجودات دارد، جایگاه و حقوق حیوانات را نادیده بگیرد. در اسلام کشتن بی‌دلیل حیوانات نهی شده است، پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «کسی که گنجشکی را بیهوده بکشد، روز قیامت آن پرنده با ناله از او به خدا شکایت می‌کند و می‌گوید: پروردگارا! بنده تو بیهوده و نه برای استفاده مرا کشت» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۶۱: ۳۰۶)؛ به ناحق کشتن حیوانات در اسلام به شدت نکوهش شده رسول خدا ﷺ در اینباره می‌فرمایند: «هیچ پرنده یا غیر پرنده‌ای به ناحق کشته نمی‌شود، مگر اینکه در روز قیامت به دشمنی قاتل خویش برمی‌خیزد» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ۱۵: ۳۷).

وقتی چنین تفکری نسبت به موجودات و محل زیست آنها بر انسان حاکم باشد، در نتیجه فرد در جهت حفظ محیط زیست گونه‌ها و خودداری از تخریب آن تلاش می‌کند و هرآنچه را موجب خلل زیست جانوری و گیاهی می‌شود و نابودی و انقراض آنها را در پی دارد، مذموم می‌دارد.

۴-۷- احترام به طبیعت، حفظ تعادل آن

به گواهی آیات و سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام جمادات، گیاهان و به خصوص حیوانات نیز از ادراک و شعور بهره‌مند هستند و تسبیح‌گوی خالق خویش هستند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ»؛ «آیا ندیدی تمام آنان که در آسمان‌ها و زمینند برای خدا تسبیح می‌گویند، و همچنین پرندگان به هنگامی که بر

فراز آسمان بال گسترده اند؟! هر یک از آن‌ها نماز و تسبیح خود را می‌داند؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست» (نور/۴۱)؛ «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مَن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا»؛ «آسمان‌های هفتگانه و زمین و کسانی که در آن‌ها هستند، همه تسبیح او می‌گویند؛ و هیچ موجودی نیست، جز آنکه، تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید، او دارای حلم و آمرزنده است» (اسراء/۴۴). بنابراین در نگاه اسلامی مجموعه جهان هستی، طبیعت و عناصر و اجزاء آن هوشمندانه با خالق خویش ارتباط دارند، هرچند ادراک آن از طریق متعارف مقدر انسان عادی نیست؛ از همین رو حرمت دارند و تعامل انسان با آنها باید به گونه‌ای باشد که حق این شعور را ادا کند و رویه‌ای احترام‌آمیز را پیش گیرد.

در اسلام احترام به حیوان نیز از حقوق حیوان شمرده می‌شود.

مردی [با اسبش] خدمت پیامبر ﷺ رسید و به آن حضرت سلام کرد. پیامبر ﷺ [به صیغه جمع] فرمود: و علیکم السلام. آن مرد عرض کرد: ای رسول خدا! من تنها هستم. حضرت رسول ﷺ فرمود: به تو و به اسبت سلام کردم» (راوندی، بی‌تا: ۴۲-۴۱)، (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲: ۶۸۲).

پیامبر ﷺ در ارتباط با جسم بی‌جانی مانند کوه احد می‌فرمایند: «این احد، کوهی است که ما را دوست دارد و ما نیز آن را دوست می‌داریم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲۱: ۲۴۸). این سخن به دیگر عناصر طبیعت قابل‌تسری است که همه مخلوق خدا هستند و هر یک جایگاهی خاص در نظام آفرینش دارند؛ از این رو محترم هستند و باید به آنها احترام گذاشت. در پرتو چنین معرفتی، حفظ محیط زیست معنا می‌یابد و چنین انسانی، نه دریا را آلوده می‌کند و نه صحرا و کوه را از بین می‌برد، این فرموده پیامبر اکرم ﷺ بدین معناست که ما باید از سنگ و معدن و دیگر مواهب کوه‌ها بهره‌های صحیح ببریم. درختان نیز که برگ و بار و میوه‌هایی برای انسان و پرندگان و چرندگان دارند همین‌گونه هستند. دریا و صحرا نیز چنین هستند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲: ۶۹۱).

نکته دیگری که در ارتباط با طبیعت و نظام آن در اسلام تأکید شده است، وجود تعادل و توازن در کل

هستی و جهان آفرینش است و اینکه همه اجزاء طبیعت و محیط زیست بر مبنای قاعده‌ای مشخص، در یک سیستم یکپارچه، هر یک در جای خود، قرار گرفته‌اند. توجه به این تعادل و توازن و تلاش در جهت حفظ و عدم برهم‌زدن آن برای انسان خلیفه‌الله لازم است. در فرمایشی از پیامبر ﷺ آمده است که: «آسمان‌ها و زمین (یا به طور کلی هستی) بر اساس عدالت استوار شده است. در این نگاه نیز عدل اساس خلقت و آفرینش است و آفرینش بدون آن معنا ندارد (مفید کلانتری، ۱۳۸۷: ۱).

آیات مبارکه: «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ. وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ. وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ. وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ»؛ «و زمین را گسترده‌ایم و در آن کوه‌های استواری قرار دادیم و از هر گیاه موزون، در آن رویانیدیم و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم؛ همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها روزی دهید. و هیچ چیز نیست، مگر آنکه خزاین آن نزد ماست؛ ولی ما جز به اندازه معینی آن رانازل نمی‌کنیم. ما بادها را برای بارور ساختن (ابرها) فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم، و شما را با آن سیراب ساختیم؛ در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید» (حجر/ ۲۲-۱۹)، خداوند در این آیات شریفه به چگونگی آفرینش بخش‌های مختلف کره زمین و گسترش خشکی‌ها، کوه‌ها و گیاهان و منابع موجود در زمین و نظام بین آنها اشاره می‌کند و این‌که همه اینها بستر زیست انسان است، آن‌گاه از چرخه آب در زمین و تأثیر آن بر حیات انسان و موجودات سخن می‌گوید. همه اینها نشان از برقراری نظامی متعادل و متوازن است. اشاره به اصل توازن به‌عنوان یکی از اصول اساسی اسلام در جهان آفرینش دارد. چه تعبیر زیبا و رسایی است، تعبیر به «مَوْزُون» که در اصل از ماده «وَزَن» به معنی شناسایی اندازه هر چیز گرفته شده است و اشاره به حساب دقیق و نظم شگرف و اندازه‌های متناسب در همه اجزای گیاهان است که هر یک از آنها بلکه هر یک از اجزاء آنها از ساقه، شاخه، برگ، گلبرگ، تخم و میوه، حساب و کتاب معینی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۱۱: ۶۹).

در جای دیگری از قرآن به نقش زنبور عسل در طبیعت و سلامت انسان اشاره می‌شود و چرخه حاکم بر

آن را می‌نمایاند: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ. ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ «و پروردگار تو، به زنبور عسل وحی [الهام غریزی] نمود که از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که (مردم) می‌سازند، خانه‌هایی برگزین. سپس از تمام ثمرات (و شیرۀ گل‌ها) بخور و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، براحتی بپیما. از درون (چینه‌دان) آن‌ها، نوشیدنی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا و درمانی برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای گروهی که فکر می‌کنند» (نحل / ۶۸-۶۹). در این آیات اقدامات زنبور عسل در قالب مأموریت‌هایی تعریف شده و برعهده او گذاشته شده است که اگر تعادل این مأموریت بر هم بخورد، تأثیرات بس شگرفی بر کرۀ زمین و زندگی انسان‌ها و دیگر موجودات دارد. جمله عجبی که از مترلینگ، دانشمند زیست‌شناس نقل شده است، اهمیت تعبیر قرآن را آشکار می‌سازد. وی می‌گوید: همین امروز، اگر زنبور عسل (اعم از وحشی و اهلی) از بین برود، یکصد هزار نوع از گیاه‌ها و گل‌ها و میوه‌های ما از بین خواهد رفت، و از کجا که اصولاً تمدن ما از بین نرود؟ زیرا نقش زنبوران عسل، در جابه‌جا کردن گرده‌های نر گل‌ها و بارور ساختن گیاهان ماده و به دنبال آن پرورش یافتن میوه‌ها آن قدر عظیم است که بعضی از دانشمندان حتی آن را از عسل‌سازی زنبوران هم مهم‌تر می‌دانند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷، ۱۱: ۳۲۹).

در جایی دیگر قرآن کریم به وجود تعادل میان آب‌ها و دریاها اشاره می‌کند و می‌فرماید: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ. بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ»؛ «دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند؛ در میان آن دو مانعی است که یکی بر دیگری غلبه نمی‌کند (و به هم نمی‌آمیزند)» (الرحمن / ۲۰-۱۹).

قرآن کریم تعادل موجود در طبیعت را از طریق رابطه میان خشکی‌ها، کوه‌ها، رودها، اقیانوس‌ها، گیاهان و حیوانات و غیره نشان می‌دهد و تأکید می‌کند: «...مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَؤُتٍ...»؛ «...در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی...» (ملک / ۳) و از این طریق، اهمیت وجود و تداوم این

چرخه‌ها و نظامات متعادل و به هم پیوسته را نشان می‌دهد و تأکید دارد اگر این تعادل و نظامات بر هم بخورد، انسان، قابلیت و امکان ادامه حیات بر کره زمین را از دست می‌دهد. از این رو بر مبنای این آموزه‌ها، تعامل، ارتباط و مداخله انسان با طبیعت باید توأمان با احترام و حفظ تعادل و توازن باشد.



شکل (۵): ارتباط انسان و طبیعت در رویکرد طبیعت‌ساز

جدول (۵): ارتباط انسان و طبیعت در رویکرد طبیعت‌ساز و تأثیر آن در مداخله انسان در طبیعت

| رویکردهای اصلی | نگرش انسان به طبیعت | ارتباط ماهوی انسان و طبیعت | مکتب نظری | نوع مداخله | نتیجه مداخله |
|----------------|----------------------|--|----------------------|------------|--|
| طبیعت‌ساز | نگرش آیه‌ای به طبیعت | طبیعت بستر آغازین رشد روح انسان، ولی حجاب نهایی او | اسلام - حکمت متعالیه | تکمیل | تعامل متوازن و متعادل با طبیعت در عین برآوردن و تأمین نیازهای مادی و زیستی، بهره‌وری غیر مسرفانه از منابع، حفاظت از اکوسیستم‌ها و سامانه‌های زیستی، تکمیل کمبودها در عین هماهنگی و سازگاری با طبیعت، عدم تخریب محیط زیست و مقابله با تغییر اقلیم و گرم شدن زمین ناشی از مداخلات بی رویه انسانی |

۵. جمع‌بندی

ساختن و مداخله در طبیعت برای بشر یک نیاز و یک ضرورت بوده و هست. شاید نخستین نیازی که انسان اولیه در خود احساس کرد، احساس یک سرپناه بود. در این خصوص ساختن ابتدایی‌ترین بناها به یک برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نیاز داشت. انسان در دوران مختلف تاریخی برای رفع نیازهای خود، طبیعت را دستکاری کرده و مطامع خود را از آن کسب کرده است. اما این مداخلات و چگونگی کسب منافع، فراز و فرودهایی داشته که هماهنگ با نوع جهان‌بینی او و تعریف او از انسان و طبیعت بوده است. در دوران‌های اولیه هماهنگی بیشتری میان انسان و طبیعت وجود داشته و نتیجه آن آسیب کمتر به سامانه‌های زیستی و در نتیجه، پایداری محیط بوده است. در دوران بعدی و با وقوع انقلاب صنعتی و شروع دوران تجدید طبیعت صرفاً به‌عنوان ابزار و کالایی مصرفی در دست انسان تلقی شد و از این‌رو بهره‌برداری بیش از حد از آن و در یک دوره کوتاه صورت پذیرفت که نتیجه آن تخریب سامانه‌های زیستی، انقراض موجودات مختلف، تغییرات شدید اقلیمی و گرم شدن زمین بود. به معنی واقعی کلمه به دست خود مردم فساد در خشکی و دریا و هوا رخ داد. «ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم/۴۱). بنابراین اولاً شناخت این رویکردها و نتیجه آنها مهم است و ثانیاً یافتن رویکردی که بتواند ضمن تأمین نیازمندی‌های انسان، پایداری زیست محیطی را حفظ کند و در جهت مواجهه با تغییر اقلیم ناشی از مداخلات نادرست انسانی، عمل نماید، از اهمیتی به‌سزا برخوردار است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان رویکردهای ارتباط انسان با طبیعت را به صورت جدول شماره (۶) ارائه نمود:

جدول (۶): انواع رویکردهای ارتباط انسان و طبیعت و تأثیر آن‌ها در مداخله انسان در طبیعت

| رویکردهای اصلی | نگرش انسان به طبیعت | ارتباط ماهوی انسان و طبیعت | مکتب نظری | نوع مداخله | نتیجه مداخله |
|---------------------------|-------------------------|--|--|--------------|--|
| طبیعت‌گرا | نگرش یکی شدن با طبیعت | طبیعت هدف ذاتی انسان | دین‌های کهن - چین و ژاپن - ایران باستان - یونان باستان | تجانس | عدم تخریب طبیعت، احترام به آن و پایداری اکوسیستم‌ها و سامانه‌های زیستی |
| | نگرش طبیعت‌گرایی شکلی | طبیعت آرام بخش انسان | ناتورالیسم رومانتیسیسم | هم‌شکلی | |
| طبیعت‌گریز | نگرش فراطبیعت | طبیعت زندان انسان (اصالت روح) | افلاطون - صوفیان کهن - آیین هندو | تقابل | مداخله حداقلی در محیط و یا بی تفاوتی نسبت به آن و عدم تحمیل تغییرات سنگین بر طبیعت |
| | نگرش بی تفاوتی با طبیعت | عدم ارتباط ذاتی | نئوکلاسیک - رنسانس | بی‌ارتباط | |
| طبیعت‌ستیز | نگرش چیره‌جو بر طبیعت | طبیعت کالایی در دست انسان | نوگرایی - مدرنیسم | تضاد و تخریب | مداخله حداکثری در طبیعت به نفع امیال سیری‌ناپذیر، تخریب گسترده محیط زیست، نابودی اکوسیستم‌ها و سامانه‌های زیستی، تغییر اقلیم و گرمایش زمین |
| طبیعت‌ساز (رویکرد اسلامی) | نگرش آیه‌ای به طبیعت | طبیعت بستر آغازین رشد روح انسان، ولی حجاب نهایی او | اسلام - حکمت متعالیه | تکمیل | تعامل متوازن و متعادل با طبیعت در عین برآوردن و تأمین نیازهای مادی و زیستی، بهره‌وری غیرمسرفانه از منابع، حفاظت از اکوسیستم‌ها و سامانه‌های زیستی، |

| | | | | | |
|--|--|--|--|--|--|
| تکمیل کمبودها در عین هماهنگی و سازگاری با طبیعت، عدم تخریب محیط زیست و مقابله با تغییر اقلیم و گرم شدن زمین ناشی از مداخلات بی رویه انسانی | | | | | |
|--|--|--|--|--|--|

اسلام به عنوان یک جهان بینی، تعاریف خاصی از انسان و طبیعت دارد و متناسب با سیر تکاملی آنها مناسبات ارتباطی میان شان را تنظیم می کند. در اسلام، طبیعت جلوه گاه خداوند است، اما هرگز تقدس الوهیت به خود نمی گیرد. قرآن دقیقاً لفظ آیه را برای پدیده های طبیعت به کار می برد و این نشانه آن است که طبیعت گرایی اسلام هرگز آخرین مرحله هستی شناسی نیست، بلکه آن هم جنبه ای نشانه ای و نمادین دارد تا ما را به مراتب بالاتر هستی و مانوس تر با ذات باری تعالی نزدیک نماید.

رابطه انسان با طبیعت در واقع رابطه بعد روحی انسان با دیگر ابعاد و عناصر وجودی خود است، یعنی رابطه انسان با عناصر طبیعت در واقع روند خودآگاهی انسان را تسهیل کرده و سیر تکاملی انسان را ممکن می نماید. ادراک قوانین حاکم بر طبیعت، یعنی ادراک قوانین حاکم بر عناصر وجودی خود و احترام و آبادانی طبیعت، یعنی احترام به خود و آبادانی عناصر وجودی خود و بی توجهی و تخریب آنها؛ یعنی بی توجهی و تخریب وجود خود.

اسلام به دنبال آن است همه ابعاد انسان را تعدیل کند و عدالت را در تمام زمینه ها رعایت نماید، یعنی هم به نیازهای مادی و هم به نیازهای معنوی او پاسخ دهد که یکی از این نیازها، آرامش در سایه طبیعت است. بنابراین رویکرد اسلامی با عنوان رویکرد طبیعت ساز به واسطه جهان بینی حاکم بر آن، سبب تعامل متوازن و متعادل با طبیعت در عین برآوردن و تأمین نیازهای مادی و زیستی، بهره وری غیر مسرفانه از منابع، حفاظت از اکوسیستم ها و سامانه های زیستی، تکمیل کمبودها در عین هماهنگی و سازگاری با طبیعت، عدم تخریب محیط زیست و مقابله با تغییر اقلیم و گرم شدن زمین ناشی از مداخلات بی رویه انسانی می گردد. با تغییر رویکرد انسان معاصر به رویکرد طبیعت ساز می توان به بهبود شرایط زیست محیطی،

تعدیل تغییرات اقلیمی و گرمایی زمین امید داشت.

نتیجه‌گیری

جامعه بشریت امروز دست به گریبان با فجایع زیست محیطی است که خود با دستان خویش به وجود آورده است. برای بشریت که به خاطر جریان تجدد و مدرن شدن تمام توجه خود را به بیرون و خارج از وجود خویش معطوف داشته است، چندان آسان نیست که ببیند در طبیعت و محیط زیست خرابکاری کرده است، که در واقع نوعی از خودبیگانگی و دوری جستن از اصل خویش است. او امروز با دیدن اثرات فجیع اعمال خود مانند از بین رفتن گسترده جنگل‌ها، نازک شدن لایه اوزن، گرم شدن آب و هوای کره زمین و غیره، ناگزیر نسبت به این موضوع حساس شده و قدری واکنش نشان داده است. اما عجیب آن‌که باز از طرق مهندسی محیط زیست به دنبال حل بحران است، غافل از آن‌که کارهای برجسته علمی و مهندسی به تنهایی حلال مشکل نیستند.

انسان متجدد هنوز از اینکه ببیند علل واقعی مشکل کجاست، امتناع می‌ورزد. وی به جای اینکه نگاه خویش را به تقدس‌زدایی تدریجی از طبیعت که در غرب صورت گرفته معطوف سازد و به ویژه خردگرایی و انسان‌گرایی رنسانس را نقد کند که زمینه ایجاد انقلاب صنعتی را به وجود آورد و علمی را خلق کرد که نقش آن این بود که بر طبیعت سلطه قهریه پیدا کند، باز به دنبال نگاه صرفاً علمی - علم تجربی که نگاهی به آغاز و انجام ندارد - به انسان و طبیعت است.

در مجادله زیست محیطی جاری همچون بحران تغییر اقلیم، هیچ چیز خطرناک‌تر از نگاه صرفاً علمی به انسان و طبیعت نیست، نگاهی که ارتباط بشر را با ریشه‌های معنوی وی قطع می‌کند. بنابراین تغییر نگرش و رویکرد نسبت به ارتباط انسان و طبیعت لازم است و باید به صورت جدی دنبال شود.

در این میان، رویکرد طبیعت‌ساز اسلامی می‌تواند نقشی بی‌بدیل ایفا کند، هم به واسطه تعریف جامع و مانعی که از انسان و نیازهای او و سیر تکاملی او دارد و هم نگاه ویژه‌ای که به طبیعت و محیط زیست به عنوان بستر تکاملی انسان دارد.

اسلام با صبغه معنوی دادن به مناسبات محیط زیست و اتصال آن با مراتب وجودی انسان، حفاظت و بهره‌برداری مناسب و متعادل از طبیعت را به امری درونی تبدیل می‌کند و آن را برای انسان، ملکه قرار می‌دهد، به نحوی که آسیب به آن، در واقع آسیب به هستی خویش است و اثرات و پیامدهای مادی و ماورایی را در پی دارد.

منابع و مأخذ

۱. آقاجانی، زری (۱۳۹۰)، «فقط یک کره داریم»، مجله رشد، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۱۷-۱۴.
۲. ابن ابی‌جمهور، محمد بن علی الأحسانی (۱۴۰۵ق)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، تحقیق: آقا مجتبی محمدی عراقی، چاپ یکم، قم: انتشارات سیدالشهداء.
۳. الحمیری القمی، عبدالله بن جعفر (بی‌تا)، قرب الاسناد، چاپ سنگی، تهران: کتابخانه نینوی.
۴. الراوندی، سید فضل‌الله بن علی الحسینی (بی‌تا)، النوادر، قم: مؤسسه دارالکتب.
۵. السیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۱ق)، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، چاپ یکم، بیروت: دارالفکر.
۶. العیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش السلمی (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تهران: چاپخانه علمیه.
۷. الكلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. المتقی الهندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق و تصحیح: صفوه سقا- بکری حیانی، بیروت: مؤسسه الرساله.
۹. المجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ق)، بحارالأنوار الجامعة لدرر اخبار الانمه الاطهار علیهم السلام، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۰. امین‌زاده، بهناز؛ نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۱)، «آرمان‌شهر اسلام: شهر عدالت»، فصلنامه صفه، دوره ۱۲،

- شماره ۳۵، پاییز و زمستان، صص ۲۱-۳۱.
۱۱. پورمحمدی، میترا و محجوب، آفاق (۱۳۹۳)، «نگاه معنا گرایانه به رابطه انسان و طبیعت در معماری و شهرسازی اسلامی»، مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
 ۱۲. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، مفاتیح‌الحیات، چاپ صد و سوم، قم: مرکز نشر اسراء.
 ۱۳. حجازی، علیرضا (۱۳۹۰)، «عصر مهدویت و حقوق محیط زیست»، مجله انتظار، شماره ۳۳.
 ۱۴. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷)، آیین انقلاب اسلامی: گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی (س)، جلد ۲، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
 ۱۵. طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت، چاپ یکم، قم: مؤسسه آل‌البیت.
 ۱۶. عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۹۱)، شهر اسلامی، چاپ سوم، انتشارات بوی شهر بهشت.
 ۱۷. فلاحتی، حمید (۱۳۹۴)، «بحران محیط زیست»، دوماهنامه فرهنگی - اجتماعی پایش سبک زندگی، شماره ۸، صص ۹۱-۱۱۵.
 ۱۸. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران و قم: دارالقرآن کریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
 ۱۹. کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییر اقلیم، ۱۹۹۲.
 ۲۰. گلکار، فروغ؛ فرهمند، علیرضا (۱۳۸۹)، آلودگی های محیط زیست، تهران: انتشارات ماندگار.
 ۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، جلد ۲، تهران: انتشارات صدرا.
 ۲۲. مفید کلاتری، محبوبه (۱۳۸۷) (تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵)، عدالت در قرآن، بیست و یکمین جشنواره ملی قرآن، کتابخانه دیجیتال طیبیان، آدرس اینترنتی:

<https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/63219/1>

۲۳. مفیدی‌شمیرانی، سید مجید (۱۳۹۷)، درسنامه مبانی توسعه شهری پایدار، دوره دکتری شهرسازی

دانشگاه علم و صنعت ایران.

۲۴. مکارم شیرازی، (آیت‌الله) ناصر (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، دوره ۲۷ جلدی، چاپ سی و ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۵. موسوی، میرنجف و همکاران (۱۳۹۵)، اصول و مبانی اسلامی توسعه پایدار شهری، تهران: آزاد کتاب.

۲۶. نصر، سیدحسین (۱۳۹۲)، انسان و طبیعت: بحران معنوی انسان متجدد، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۷. نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۲)، رابطه انسان با طبیعت و معماری، تهران: قطب علمی معماری اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران.

۲۸. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷)، شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، چاپ اول، اصفهان: انتشارات مانی.

۲۹. نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار رسول اکرم صلی الله علیه و آله (۱۳۷۷)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان.

۳۰. نهج البلاغه: مجموعه خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی بن ابیطالب علیه السلام (۱۳۷۸)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳۱. هاشمی، سیدحسین (۱۳۷۷)، «انسان و طبیعت در قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۱۵ و ۱۶، صص ۲۶۹-۲۵۴.